

بده و بستان معرفتی «تئاتر شهر»

با محیط اطرافش!

نگرانی از محیط غیرفرهنگی اطراف پارک شهر مدتی است که به سوژه برخی رسانه‌ها تبدیل شده است. پارک دانشجو چند دهه است که در افواه و افکار عمومی محلی بدنام است و این تازگی ندارد، با این حال به نظر می‌رسد محوطه پارک شهر پس از استقرار در اصلی متروی تئاتر شهر و افزایش طبیعی رفت و آمد، وضعیتی به مراتب شلوغ‌تر و غیرفرهنگی‌تر به خود گرفته که موجب‌انگرانی اهالی تئاتر را فراهم آورده است. نکته‌ای که وجود دارد و باید محل تأمل باشد این است که انتظار طبیعی از یک محیط فرهنگی تأثیرگذاری بر فضا و اتمسفر اطراف آن است و نمی‌توان خروجی محتوای یک محیط فرهنگی را بر روح حاکم بر فضای پیرامونی آن انکار کرد، برای مثال امکان مذهبی مانند مساجد و امازاده‌ها در ایران که محل رجوع مردم متدین و متشرع هستند، همواره تا شعاع قابل ملاحظه‌ای از محیط پیرامونی را نیز تحت تأثیر معنویت خود قرار داده‌اند و به لحاظ روانی نیز این اثرگذاری روی ساکنان خانه‌های اطراف قابل مشاهده است. همین تأثیر معنوی باعث شده تا به‌کاری و آسیب‌های اجتماعی به طور عادی از شعاع بعیدی از این اماکن گریز به بیرون داشته باشند اما چه می‌شود که مکانی چون پارک دانشجو که تئاتر شهر را در دل خود جای داده و به عنوان مرکز فرهنگی مطرح است، دهه‌هاست با مفاهیمی نه چندان فرهنگی چون دگرپاشی پیوند خورده است؟ اینکه وجود آسیب‌های اخلاقی در پارک دانشجو چقدر به واقعیت نزدیک است برای نگارنده قابل احصا نیست و به طور قطع مراکز اجتماعی مربوط به این آسیب‌ها دربارہ آن نظر داده یا نظر خواهند داد اما امروز خود اهالی تئاتر درباره وجود این آسیب‌ها در اطراف تئاتر شهر لب به شکایت باز کرده‌اند و به طور واضح از انواع و اقسام خلافکاری‌ها در محیط پیرامونی آن سخن می‌گویند. نگارنده به عنوان کسی که مدت‌ها به عنوان خبرنگار حوزه تئاتر مخاطب اجراهای مختلف در سالن‌های پاینخت به ویژه سالن‌های تئاتر شهر بوده، شاهد این بودهام که سهم قابل توجهی از نمایش‌هایی که روی صحنه می‌روند به لحاظ فرهنگی نه تنها آورده‌ای برای مخاطب ندارند بلکه مغایرتی جدی با آنچه از آن به عنوان فرهنگ یاد می‌شود، دارند. اگر بخواهیم یک نگاه آسیب‌شناسانه به موضوع داشته و صرفاً به معلول‌ها نپردازیم، این مسئله را نباید نادیده بگیریم که اساساً در رویکرد و گرایش اهالی تئاتر از مراکز آموزش عالی تا عرصه فعالیت حرفه‌ای نگاه هنری بر دغدغه‌های فرهنگی غلبه دارد، یعنی اهالی تئاتر بیش از آنکه به تئاتر به عنوان هنری برای تقویت فرهنگ نظر داشته باشند، صرفاً از آن کارکردی هنری طلب می‌کنند و محتوا و مفاهیم آثار بااساس در اولویت نیستند و در گستره‌ای منفی و حتی ضد اخلاقی محدود می‌شوند. به طور عادی وقتی سهم قابل توجهی از آثار با این انگاره غلط ذهنی که می‌شود اخلاق را به پای هنر ذبح کرد، روی صحنه می‌روند، اثرگذاری روی افراد و محیط و روح جمعی پیرامونی آن غیراینگار می‌شود. در واقع تئاتر شهر با محیط بیرونی‌اش در این چند دهه دائماً در حال بدبوستان معرفتی بوده است و این سخن بزرگان می‌تواند حسن ختام این نوشتار باشد که «از کوره همان برون تراود که در اوست.»

کتاب

از سوی انتشارات شهید کاظمی

مادرانه‌های فرمانده گردان یاز هر(ا) چاپ شد

کتاب «در انتظار پدر» شامل مادرانه‌های شهید محمدرضا تورجی‌زاده نوشته کبری خدابخش‌دهقی توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر و راهی بازار نشر شد. کتاب «در انتظار پدر» روایت زندگی شهید محمدرضا تورجی‌زاده (فرمانده گردان یازهر(ا)) از زبان مادر- نوشته کبری خدابخش‌دهقی به تازگی توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب بر اساس خاطرات و تافته‌های مادر شهید محمدرضا تورجی‌زاده فرمانده گردان یازهر(ا) نوشته شده است. بازه زمانی خاطرات هم از زمان تولد تا شهادت محمدرضا تورجی‌زاده را در بر می‌گیرد؛ گذراندن دوران کودکی تا اتفاقات پیش از بروز انقلاب و وقتی جنگ میهمان ناخوانده همه خانه‌ها می‌شود در بین این اتفاقات بزرگ شدن محمدرضا لحظه به لحظه روایت شده است. در قسمتی از این کتاب آمده است:
- حسن تنهایی و تنهانشن داشتم. علیرضا بر گشت. صدایش زدم و گفتم: «مادر، علیرضا داداشت کجاست؟»
- نگران شهید مادر بودی. راجه‌ها فرمانده گردان یازهر(ا) تا با بابا برین و به سری و بزین و بر گرددین.
- عصر دیر، برای خودم بلیت بگیر تا برم.
نشست روبه‌رویم. به چشمانم زل زد. نگاهم کرد، نگاهم کرد و این قدر نگاه کرد و سکوت کرد و بغض کرد ک گفتم: «علیرضا، ممد شهید شده»

شعر

در قالب کتاب «مرد میدان» انجام شد

انتشار گزیده‌ای از اشعار شاعران جهان در رثای شهید سلیمانی

این شاعران در شعرهای خود علاوه بر سوگ و مرثیه به شخصیت حاج قاسم و جنبه‌های مختلف زندگی او نیز پرداخته‌اند، حتی شعرا در موارد بسیاری رنگ و بوی خونی‌هایی نیز به خود گرفت. حالا میلاد عرفان‌پور به جمع‌آوری این اشعار در قالب کتابی با عنوان «مرد میدان» پرداخته که توسط بنیاد شهید سلیمانی منتشر شده‌است.

عرفان‌پور در مقدمه خود بر این کتاب می‌نویسد: «صدا شعر از اصناف گوناگون شاعران ایران و جهان در این مدت سروده شده است، گردآوری گزیده‌ای خواندنی و نسبتاً جامع از این آثار از شمند ضرورتی بود که زمینه تألیف این کتاب شد. در کتاب حاضر که حاصل جست‌وجو و رصد بهترین سرودها برای این شهید سرافراز است، تلاش شد بهترین و مؤثرترین شعرا انتخاب شوند و صد البته محتمل است که از آثار خوبی از چشم ما دور مانده باشد. اگرچه بیان عظمت آن انسان شگفت، حتی به زبان شعر هم دشوار است اما امیدواریم این مجموعه به خوبی جریان برابران خودجوش سرایش شعر برای شهید حاج قاسم سلیمانی را بازتاب دهد و آنچنان که شایسته است مخاطبان را به کار آید.»

اشعار این کتاب به انتخاب میلاد عرفان‌پور و با گردآوری محمدرضا شفیعی منتشر شده‌است، مرتضی حیدری آل‌کثیر نیز کار ترجمه اشعار شاعران عرب‌زبان را بر عهده داشته‌است. شعرهایی از شاعرانی چون احمد بیابانی، سعید بیابانکی، محمدرضا ترکی، مهدی جهاندار، محمدمهدی سیر قاسم صرافان، محمدرضا سپهری‌نژاد، علی محمد مؤبد، علی موسوی گرم‌رودی، یوسفعلی میرشکاک، در این کتاب گردآوری شده است، در مجموع از ۹۱ شاعر ایرانی و ۱۹ شاعر خارجی شعاری گردآوری شده‌است. انتشارات مکتب‌حاج‌قاسم این کتاب را در شمارگان هزار نسخه ۲۷۲ صفحه به قیمت ۶۷هزار تومان منتشر کرده‌است.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۰۰۸۴۹۸۴۵۰
روابط‌عمومی: ۰۰۸۴۹۸۴۴۸،
نمابر: ۰۰۸۸۴۵۶۳۴-۶
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۰۰۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۱۶۳ | یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۹ | ۲۳ رجب ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۲:۱۵ | غروب آفتاب: ۱۸:۰۵ | اذان مغرب: ۱۸:۲۳ | نیمه‌شب شرعی: ۲۲:۲۳ | اذان صبح فردا: ۵:۰۲ | طلوع آفتاب فردا: ۶:۲۵ |

درام‌کشی با اصالت دادن به اعداد و ارقام!

آنچه یک اثر نمایشی را ماندگار کرده و به اثری فاخر تبدیل می‌کند، طراحی دقیق یک فیلمنامه خوب است و تعدد لوکیشن و کیفیت طراحی صحنه و قابلیت‌های تکنیکی دیگر صرفاً می‌تواند مکملی برای ارتقای کیفیت اثر باشد



مصطفی شاه‌کرمی

تعدد لوکیشن، پرباز یگر بودن یا مباحثی از این دست در جایگاه خود قابل توجه و اعتناست اما قطعاً این عناوین و اطلاق‌ها به تنهایی برای ماندگاری و شاخص بودن یک اثر تلویزیونی یا سینمایی تعیین‌کننده نیست. به‌طور معمول هیچ لوکیشنی باعث ماندگاری یک اثر سینمایی یا تلویزیونی نشده و نمی‌شود و در بسیاری اوقات گذاره معکوس این مدعا یعنی اثرگذاری یک فیلم یا سریال در معرفی و ماندگاری یک جغرافیای خاص یا لوکیشن مصداق تعیینی پیدا کرده است.

سریال جلال ۲ از شبکه یک سیما در حال پخش است. سریال «جلال» در مرکز صدا و سیما ی آذربایجان شرقی تولید شده و بره‌ای از تاریخ انقلاب را روایت می‌کند؛ تازگی که به جغرافیای استانی گره خورده و تصویرگر سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۶ در تبریز است که در س‌وی اول در ۱۵قسمت تولید و از شبکه یک روی آنتن رفت.

«جلال» سریالی شخصیت‌محور است که به روایت زندگی یک انقلابی با بیازی عمار تفتی در روزهای انقلاب می‌پردازد و از طریق روایتی شخصیت‌محور به نمایان‌سازی حوادث و رویدادهای انقلاب دست می‌زند. این سریال تاریخی، فعالیت‌های انقلابی مردم آذربایجان شرقی را در قالب یک درام اجتماعی روایت می‌کند.

مرتضی صفری، مدیرکل صداوسیما ی مرکز آذربایجان شرقی سریال جلال را جزو سنگین‌ترین پروژه‌های سریال‌سازی عنوان کرده است که با ۲۵۰ لوکیشن، ۶۴۸ سکانس و بیش از ۲۵۰ بازیگر دیالوگ‌دار و صدا ه‌هنور در ضبط یک سریال با این حجم در کمتر از یک سال رکورد جدیدی از خود به نمایش گذاشته است. در آمارزدگی که بین برخی مسئولان و هنرمندان رواج پیدا کرده و بعضاً با ضرب بخشیدن و مانور دادن روی چنین اعداد و ارقامی سعی می‌شود تا که لایه‌لای طرح چنین مباحتی، عبور اصلی و محتوایی آثار به صورت وضعی یا عمدی مورد غفلت قرار بگیرند، چند مسئله مهم قابل طرح است.

حکمت

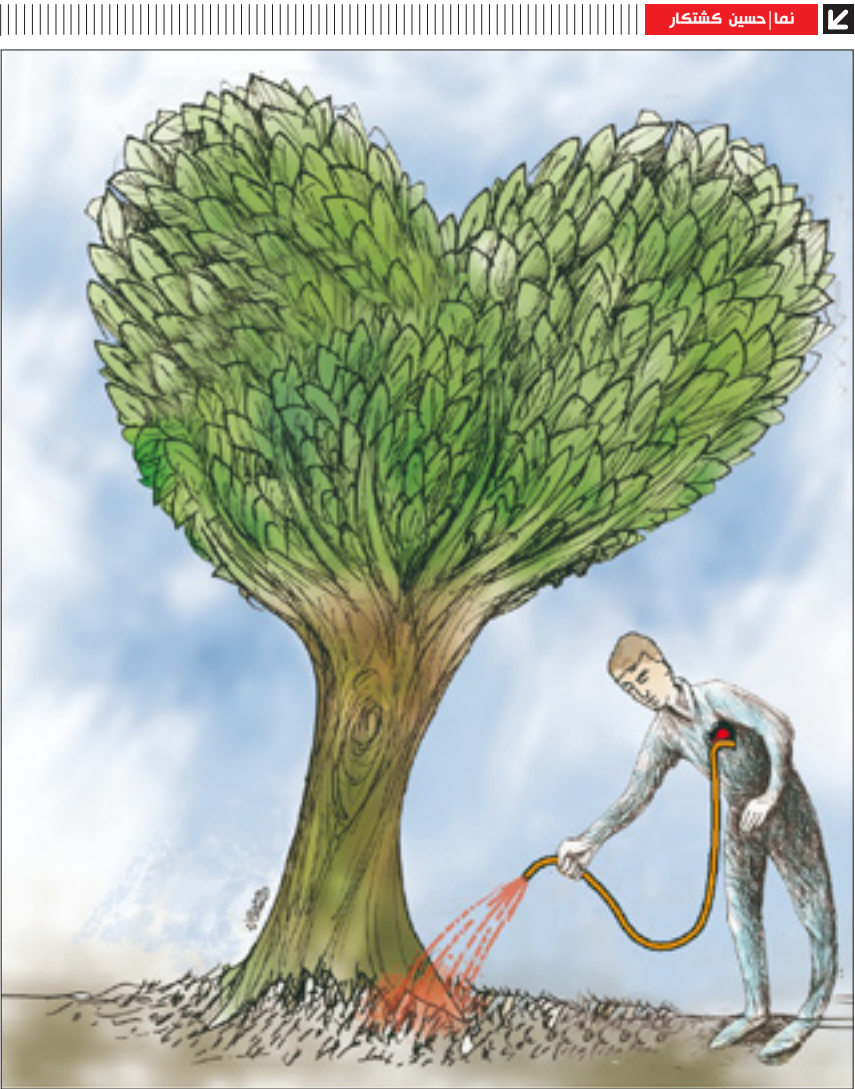
پیامبر(ص):

کسی که نزد توانگری رود و پیش

اوزبونی کند، دو سوم دینش بر باد

رفته‌است.

«گزیده تحف العقول»



فیلم در این کشور اتفاق می‌افتد. از طرفی

مکان می‌تواند در یک فیلم دارای جایگاه

منحصر بفردی باشد، مثلاً روستایی که فیلم

«گاو» داریوش مهرجویی در آن ساخته و

تولید شد، هویت اجتماعی و فرهنگی فیلم گاو

را تعیین می‌کند.

گرفتاری در حصار «ترین‌ها»

همه کسانی که کمترین آشنایی با سابقه‌ای

در حوزه فیلم و سریال‌سازی یا حتی تماشای

آنها دارند، روی این مسئله که لوکیشن

یا مکانی که یک اثر با هر نوع ژانری در آن

ساخته می‌شود، ضمن ارتباط فرمی و

محتوایی باعث ایجاد جذابیت و فراهم کردن

بستر انتقال مفاهیم به مخاطب می‌گردد،

متفق‌القول هستند و کسی نمی‌تواند آن

را انکار کند اما متوقف ماندن در چنین

گزاره‌هایی نشان‌دهنده عدم رشد یافتگی

یک اثر هنری است که در ساخت و تولید آثار

فاخر جایگاهی حاشیه‌ای و فرعی دارد، کما

اینکه آثار شاخصی در دنیا ساخته شده‌اند که

همه اتفاقات آنها در درون یک تابوت یا یک

باجه تلفن یا حتی یک اتاق سیری می‌شوند

و در زمره بهترین آثار سینمایی دنیا هم قرار

دارند، برای مثال فیلم ۱۲ مرد خشمگین

ساخته سیدنی لومت که جزو ۱۰۰ فیلم برتر

تاریخ سینمای جهان است، صرفاً در یک اتاق

فیلمبرداری شده است، البته تعدد لوکیشن

برای غنای یک اثر تاریخی می‌تواند اهمیت

ویژه‌ای داشته باشد به شرطی که آن اثر همه

جوانب یک اثر ماندگار را در دل خود داشته

باشد و برای مثال مانند سریال پر هزینه

معمای شاه ایجاد تبدیل به اثری اخته و ضعیف

نشود. معمولاً کسانی که سابقه فعالیت در

ساخت آثار ماندگار را در کارنامه کاری‌شان

دارند، معتقدند آنچه یک اثر را ماندگار می‌کند

اثرگذاری می‌کند، مجموعه عواملی است که

اگر قرار بر احصای آنها باشد مؤلفه‌هایی

مثل پرلوکیشن یا پربازگرتین بودن در

انتهای آن قرار می‌گیرند، مثلاً آثاری مثل

سریال «امام علی(ع)» یا «مختارنامه» به

کارگردانی داوود میرباقری، سریال «در

چشم باد» ساخته مسعود جعفری جوزانی یا

حتی سریال‌های قدیمی مثل «هزار داستان»

به کارگردانی مرحوم علی حاتمی یا سریال

«دلبران تنگستان» به کارگردانی همایون

شهنواز به دلیل تعدد بازیگر یا تعدد لوکیشن

و آمارها و ترین‌هایی از این دست ماندگار

نشده‌اند بلکه به دلایل مجموعه عواملی

از جمله عقیده دراماتیک، قلم نویسنده،

کارگردانی خوب، ایفای باورمندانه نقش

کاراکترها توسط بازیگران، صدابرداری،

فیلمبرداری و دهه‌شاخصه دیگری در اذهان

مخاطبان نقش بسته‌اند. گرفتار شدن در

حصار اعداد، ارقام و آمارهای عجیب و غریب

نه تنها باعث کنیده شدن ترمز تولید آثار

جذاب و مخاطب‌پسند می‌گردد بلکه باعث

اصالت پیدا کردن و غلبه حواشی بر متن و

مصداق ضرب‌المثل «آفتابه لگن هفت دست،

شام و ناهار هیچی» خواهد شد.

نما حسین کشتار

پیامبر(ص):

کسی که نزد توانگری رود و پیش

اوزبونی کند، دو سوم دینش بر باد

رفته‌است.

«گزیده تحف العقول»

نقد فیلم
کنترل دقیق ژانر در «مِش‌مِشه»
مشمشه اثر سراسازی است که راه خودش را می‌داند و چپ و راست نمی‌زند و وارد خرده‌پیرنگ‌های دست و پاگیر نمی‌شود
افشین علیار
در برهه کنونی آثاری که در سینمای ایران ساخته می‌شوند اغلب با یک ایده، قصه و ساختار شکل می‌گیرند و اساساً موضوعاتی هم که در این آثار روایت می‌شوند، تکرار همان قبلی‌ها هستند اما شاهد احمدلو در فیلم جدیدش توانسته اثری ساده و روان با بستری مناسب و پرداختی به قاعده بسازد.
مشمشه روانگیر پشت صحنه تولید یک فیلم سینمایی است و اینکه عوامل تولید یک فیلم برای مهیا کردن یک خر که باید جلوی دوربین برود چه سختی‌هایی را باید تحمل کنند، منشمه به دنبال فیلم‌هایی مثل «دو فیلم با یک بلیت» یا «وقتی همه خوابیم» ساخته شده و قصه‌اش درباره پشت صحنه سینماست. آن دو فیلم هم درباره گرفتاری‌های تولید یک اثر سینمایی بودند اما در مشمشه با یک موقعیت خاص طرف هستیم، این خاص بودن به موضوع فیلم انگار جهان اثر به فانتزی بودن هم سوق پیدا می‌کند اما احمدلو توانسته در حفظ ژانر فیلمش کنترل خاصی داشته باشد، همانطور که قصه و نوع روایت آن را در فیلم با گاه‌هایی از کمدی کنترل شده در شکل یک کمدی اما احمدلو توانسته در حفظ ژانر فیلمش کنترل خاصی داشته باشد، همانطور که قصه و نوع روایت آن را به تصویر بکشد. است اما رگه‌هایی از کمدی کنترل شده در شخصیت‌ها احساس می‌شود و همین موضوع باعث شده پیگیر اصلی قصه با جذابیت خاصی منطبق شود که شکل‌گیری کلی فیلم به طور کامل واقعی به نظر برسد و این به دلیل نوع زیست فیلمساز است. شاهد احمدلو از کودکی در سینما بوده و به مقدار قابل توجهی فیلم کوتاه و مستند و سریال تلویزیونی ساخته و برای همین شاهد ناساماتی‌های تولید یک اثر سینمایی بوده و توانسته است آن را به تصویر بکشد. مشمشه اثر سراسازی است که چپ و راست نمی‌رود و راه خودش را می‌داند و وارد خرده‌پیرنگ‌های دست و پاگیر نمی‌شود، به طوری که انگار بازی اثر طرف هستیم که حدیث نفس فیلمسازش از فارغ از نگاه اقتصادی می‌خواهد مخاطب را با یک قصه همراه کند؛ قصه‌ای که کشش لازم را برای روایت و گسترش دادن دارد. فیلمنامه بی‌عیب و نقص نوشته شده و روند قصه و اتفاقی که در فیلم شاهد هستیم، اساساً بحران بفرنجی نیست. فیلمساز رگه‌فاکنی خاصی را در فیلمش تدارک ندیده است، چراکه این گونه از فیلم‌ها

تلویزیون

بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با «جوان»:

طنز و سرگرمی با فرهنگ‌سازی منافات ندارد



معتقدم رویکرد ریوکراد اصلی مدیران تلویزیون برای نوروز باید تمرکز بالا بر تولید برنامه‌های شاد و سرگرم‌کننده با تمرکز بر رشد معرفتی مخاطبان باشد. رضا بنفشه‌خواه بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون با بیان این مطلب به «جوان» گفت: برای عید نوروز انتظار می‌رود مدیران تلویزیون بیشتر به فکر تولید برنامه‌های شاد و سرگرم‌کننده‌ای باشند که در آن اصالت صرفاً به خنده گرفتن نباشد و افزایش سطح معرفتی مخاطب نیز در نظر گرفته شده باشد، زیرا از طرفی مردم سال سختی را پشت سر گذاشته‌اند و باید با نوعی طیب خاطر و روحیه بالا و امیدواری سال بعد را آغاز کنند و از طرفی نیز جامعه ما نیاز به تقویت سطح فرهنگی دارد و صداوسیما نباید از این مسئله غافل باشد. بازیگر آثاری چون «باغچه مینو» و «پشت کنکوری‌ها» عنوان کرد؛ واقعیت این است که مردم واقعاً از خانه ماندن و دیدن برنامه‌های جدی خسته شده‌اند و باید با ارائه کارهای جذاب و نشاط‌آور، آنها را راضی نگه داشت. این به آن معنا نیست که یک کار شاد و مفرح و سرگرم‌کننده نمی‌تواند خالی از مفاهیم اخلاقی و معرفتی باشد بلکه هنر آن است که سرگرمی و طنز فرهنگ جامعه را نیز رشد دهد. بنفشه‌خواه افزود: این نگاه که همگان می‌خواهند کم‌کاری خود را در جلب مخاطب به گردن پیام‌دهی بیندازند، نادرست است. چرا نتوانیم هم پیام دهیم و هم مردم را سرگرم کنیم؟ مردم چه گناهی کرده‌اند که ضعف‌های تولید را بر گردن پیام‌دهی می‌اندازند؟ بازیگر «ژانسی دوستی» اضافه کرد: شاد کردن مردم باید با کلیشه و با تازگی و طراوت به سال جدید برویم.